



اقتصاد مقاومتی به مثابه نقشه راه آینده کشور

دکتر داود غریباق زندی*

اشاره:

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خود در سال ۱۳۹۵، امسال را سال «اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل» نامیدند. هرچند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده بود، اما تأکید این موضوع به عنوان شعار سال با قید «اقدام و عمل» می‌تواند به معنای فراهم بودن زمینه مناسب برای اجرایی کردن آن در شرایط پسابرجام باشد.

مقدمه

کانون گفتمان مقاومت، جهاد عملی و حمایت‌های همه‌جانبه از کشورهای مسلمان قرار داشت که در این روش، تقابلی نظامی در اولویت قرار می‌گرفت. تجربه عملی که در جریان جنگ تحمیلی و پس از آن به دست آمد این بود که بدون توان اقتصادی که پشتوانه اصلی تداوم جنگ است، ممکن است اصل توصل به جنگ دچار مشکل شود. همچنین تداوم سیاست‌های اسلامی و فراملی در منطقه و جهان پس از جنگ تحمیلی که کشور دچار خرابی‌ها و درگیر دوره بازسازی بود، به واسطه مسائل اقتصادی با مشکلاتی همراه شد. در این شرایط اگر قرار باشد کشورهای غربی، ما را نیز همانند دیگر کشورهای واداده نظیر لیبی، عراق، قذافی، عراق، زمان صدام و یا حتی شرایط کنونی کره شمالی که بین چرخش کارخانجات و چرخش سانتریفیوژها به دام افتاده است، در مسیر و راه اصولی خود دچار تردید و تزلزل کنند، اولویت اقتصادی جدی است. این مسئله را مقام معظم رهبری به صراحت مورد تأکید قرار داده‌اند: «به گمان من مسئله اقتصاد در اولویت اول است یعنی وقتی انسان نگاه می‌کند، در میان مسائل اولویت دار، از همه فوری‌تر و نزدیک‌تر، مسأله اقتصاد است». (پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵).

در عین حال این ترکیب، جدید و به‌هنگام نیز هست؛ به این معنی که در دنیای جدید که به شدت به‌هم پیوسته و مبتنی بر وابستگی‌های متقابل و پیچیده است، اقتصاد به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نرم دشمن عمل می‌کند. امروزه باور بسیاری از سیاستمداران این است که اگر کشوری را نتوان در قالب رویارویی و درگیری نظامی به حاشیه

اقتصاد مقاومتی اصطلاحی است که در چند سال اخیر در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی طرح شده و علی‌رغم وجود نوشتار و اظهارات مختلف فراوان در این زمینه، بیشترین مفهوم‌سازی از آن توسط واضع آن (مقام معظم رهبری) و مجری اصلی آن (ریاست محترم جمهوری) طرح شده است. اقتصاد مقاومتی اشاره به دو وجه مهم دارد که یکی اقتصاد است و دیگری مقاومت. این ترکیب، ترکیبی به‌غایت راهبردی و مبتنی بر تجارب و بازنگری معطوف به هدف با توجه به روند گذشته و حال است. در گذشته در مورد هر دو کلیدواژه و اولویت‌های آنها سامان متفاوتی در سیاست‌گذاری‌ها اعمال می‌شد، اما این ترکیب جدید سازه جدیدی را نشان می‌دهد که نه تنها مبتنی بر تجربه‌اندوزی است، بلکه بر اساس شرایط و ملاحظات کنونی منطقه‌ای و جهانی نیز می‌باشد.

در گذشته مباحث مقاومت در کانون توجه جدی و اولیه قرار داشت و روش‌های آن متفاوت بود که اقتصاد یکی از روش‌های گفتمان مقاومت محسوب می‌شد، اما در

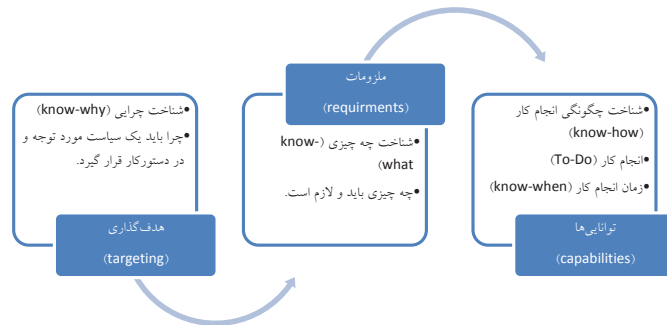


تمایز اقتصاد مقاومتی با تعاریف نادرست از آن

برای پرداختن به چیستی اقتصاد مقاومتی نخست ضروری است که برخی از مفاهیم مشابهی که نمی توان آنها را اقتصاد مقاومتی دانست، اما ممکن است با آن اشتباه گرفته شوند، روشن گردد. در وهله نخست اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ریاضتی نیست. این موضوع شاید نخستین بار در زمانی که کشور به شدت تحت تأثیر تحریم های ظالمانه قرار داشت مطرح شد که باید کمربندها را بست و در مقابل فشارهای اقتصادی بیرونی زیست ریاضتی را پذیرفت. مفروض این نظر در ساحت گفتمان سستی مقاومت در جمهوری اسلامی قرار می گیرد که به نوعی اشاره به «مقاومت اقتصادی» در قبال دشمن دارد. در مقاومت اقتصادی هدف، پذیرش شرایط سخت برای رسیدن به مقصود است که مدیریت هزینه ها و دوام آوردن در قبال فشارها در چارچوب آن معنادار است؛ اما در اقتصاد مقاومتی هدف، مقاوم سازی اقتصادی در برابر هرگونه تکانه خارجی است که مسیر سیاستگذاری داخلی را تحت تأثیر قرار می دهد.

دوم، اقتصاد مقاومتی نوعی «اقتصاد حاشیه ای» نیست که برای پرهیز از تکانه های بیرونی و شوک های اقتصادی اقدام به دیوارکشی و سد کردن هرگونه نفوذ به داخل آن کرد. اقتصاد حاشیه ای نوعی قرنطینه سازی در شرایط بیماری است؛ در حالی که اقتصاد مقاومتی درمان اقتصادهای در حال رشد و در حال گذار است تا ضمن این که دوره نقاهت خود را به سلامتی بگذرانند هشیار باشند که در آینده دچار بحران های از این دست نشوند.

برد، لازم است همانند اتحاد جماهیر شوروی سابق آن را وارد جدالی بنیادین تر ساخت و بنیان های اقتصادی و اجتماعی آن را از درون تضعیف کرد. کاری که به نوعی در ارتباط با جمهوری اسلامی نیز انجام شده و البته با توافق برجام تا حدودی جلوی آن گرفته شد. همچنین تأکید بر اقتصاد مقاومتی، نوعی تداوم آموزه های بومی، ملی و اسلامی برآمده از نظام جمهوری اسلامی در قالب و ترکیب جدید است که در کوتاه، میان و بلندمدت باید ادامه یابد. همان طور که در زیر خواهد آمد از جمله ویژگی های مهم این ترکیب، تطابق با مفهوم «پیشرفت و عدالت» است، به این معنا که عدالت، پیشرفت را متوقف نمی کند و در مقابل اگر پیشرفت همراه با بی عدالتی باشد نیز نتیجه آن وافی به مقصود و متناسب با هدف گذاری مورد نظر نیست. این ترکیب به مثابه نقشه راه آینده اقتصادی کشور خواهد بود. نقشه راه یک فرایند برنامه ریزی چندلایه^۱ است؛ از این رو، بیشتر در سطح مقامات عالی نظام کاربرد دارد و مبتنی بر یک راه برنامه ریزی خوب^۲ و برای خیر عمومی^۳ است، ضمن اینکه رابط^۴ میان واقعیت و آرمان است؛ اولویت های^۵ سرمایه گذاری عمومی کشور را تعیین می کند؛ نوعی هدف گذاری رقابتی^۶ میان بخش های مختلف یک نظام برای رسیدن بهتر به هدف است؛ طرح فرصت ها^۷ برای گذر از تهدیدات و کاهش اختلافات و درجا نزدن در مشکلات است؛ و در نهایت نقشه راه به شدت فرهنگ محور^۸ و مبتنی بر فرهنگ راهبردی هر نظام است؛ چنان که براساس هویت و ارزش های اجتماعی یک نظام خاص تعیین می شود. روابط میان این مقولات در نمودار زیر نشان داده شده است.



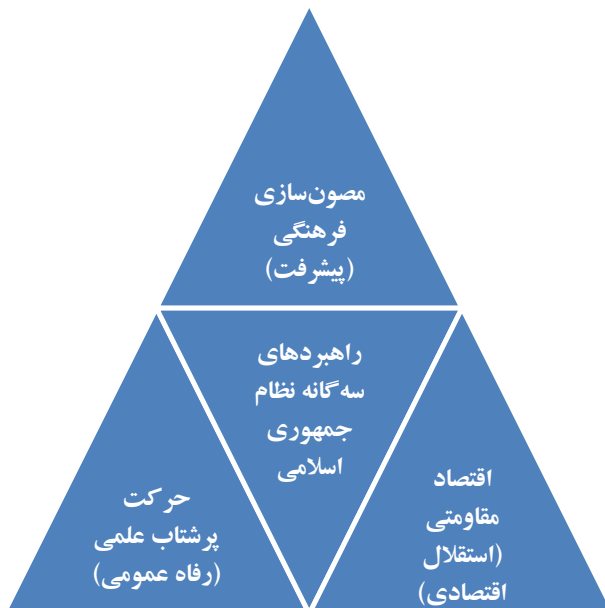
1. multi-layer planning
2. good planning
3. Public goods
4. link
5. priorities
6. competitive targeting
7. maximized policy-making
8. culture-driven



مقاومتی ابلاغ شده، به‌طور عملیاتی پیاده شوند که بر این اساس، برنامه‌ها و اهداف و قابلیت‌های دولت یازدهم به بهترین نحو در این قالب قرار می‌گیرند. لذا نامگذاری امسال با این منطق نشان از درایت و نوعی دوراندیشی دارد.

چستی اقتصاد مقاومتی

حال با این تمایزگذاری‌های مهم، سوال این است که اقتصاد مقاومتی چیست؟ اقتصاد مقاومتی تلاش درون‌گرایانه و در عین حال تعاملی برای رسیدن به موقعیت مناسب در راستای کسب اهداف و آرمان‌ها حتی در شرایط بحرانی است. این موضوع نخستین محور از محورهای راهبردهای سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی»، «حرکت پرشتاب علمی» و «مصون‌سازی فرهنگی» است. این سه‌گانه در بستر اهداف سه‌گانه انقلاب اسلامی یعنی «استقلال اقتصادی»، «رفاه عمومی» و در نهایت «پیشرفت» قرار می‌گیرد.



اقتصاد مقاومتی نه‌تنها نخستین ضلع مهم این راهبردهاست، بلکه مهم‌ترین و نقطه شروع بحث نیز محسوب می‌شود، زیرا گذشته نشان داده که بدون سامان اقتصادی، جان‌فشانی‌های گذشته آن‌گونه که انتظار می‌رفت وافی به مقصود نبود. به عبارت

در نهایت، اقتصاد مقاومتی راهی «برای گذر از استقلال فقیرانه به سوی رفاه مستقلانه» است. در واقع این نوع اقتصاد به دنبال انزوایی و کنار کشیدن نیست که با روی آوردن به اقتصاد زیرزمینی و حتی اقتصاد غیرشفاف به دنبال حفظ خود تحت هر شرایطی باشد، بلکه هدف کسب موقعیت عزت‌مندانه اقتصادی برای رسیدن به اهداف بلند آرمانی خود است. این نوع اقتصاد، ما را از دوراهی یا شیوه به دام انداختن^۱ گزینش استراتژیک «فقر مستقلانه/رفاه رذیلانه» بازمی‌دارد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «دوراهی که آنها [آمریکایی‌ها] ادعا می‌کنند این است که ملت ایران یا باید با آمریکا کنار بیاید و یا به‌طور دائم تحت فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن باشد. معنای حقیقی این تفکر خطرناک این است که جمهوری اسلامی به تدریج باید از مبانی قدرت و امنیت خود و از مسائل اساسی که به حکم اسلام و در چارچوب نظام اسلامی به آنها پایبند است ... صرف‌نظر و مواضع خود را به خواسته‌های آمریکا نزدیک کند». (بیانات مقام معظم رهبری در جوار بارگاه امام رضا (ع)، ۱/۱/۱۳۹۵) باور رئیس‌جمهوری مبنی بر ضرورت تلاش برای چرخش هم‌زمان چرخ اقتصاد و سانتریفیوژ نیز در قالب فرار از این دوراهی و برای پرهیز از افتادن در دام آن است. به همین دلیل شرایط پسابرجام زمان بسیار مناسبی است که سیاست‌های کلانی که در سال ۱۳۹۲ در مورد اقتصاد

1. entrapment



دیگر، بدون توجه به ملاحظات اقتصادی، میزان هزینه و نتیجه با همدیگر همخوانی نخواهند داشت.

در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی موارد ۲۴ گانه‌ای برای پیشبرد اقتصاد مقاومتی به صورت ریز و جزئی آورده شده که اهم آن از نظر اقتصادی در ۱۰ بند قابل طرح و توجه است: توجه و تمرکز به تولید داخلی؛ برون‌گرایی و راهبردهای صادرات محور؛ اصلاح ساختار اقتصادی، انضباط مالی؛ مدیریت مصرف؛ عدالت محوری؛ شفاف‌سازی؛ تأمین ذخایر استراتژیک و کاهش آسیب‌پذیری؛ حفظ ذخایر انرژی فسیلی و در نهایت دانش‌بنیان بودن اقتصاد مقاومتی.

همراه سازد.

دو، اقتصاد مقاومتی به معنای تأمین استقلال اقتصادی در تمامی زمینه‌ها و کالاها نیست؛ به گونه‌ای که ما تنها صادرات داشته باشیم و دیگران از ما واردات داشته باشند. استقلال اقتصادی به این معنی است که اوضاع نابسامان اقتصادی و مالی خارجی در کشور، زلزله سیاسی ایجاد نکند.

سه، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که نه تنها از بحران دوری می‌کند، بلکه در شرایط متعارف زمینه را برای جهش‌های اقتصادی و علمی نیز فراهم می‌سازد. بر این اساس باید گفت اقتصاد مقاومتی راهبردی بلندمدت است. «راه‌حل همین اقتصاد مقاومتی است که ضربه‌های دشمن را اول کم‌اثر می‌کند، کاهش می‌دهد که این مال کوتاه‌مدت است، در میان مدت و بلندمدت به حرکت عظیم مردم اوج می‌دهد. اقتصاد مقاومتی این جوری است. آن کسانی که صاحب‌نظر در زمینه اقتصادی‌اند، بعد از آن که ما اقتصاد مقاومتی را اعلام کردیم، قضاوتشان این بود، ما راه‌حل داریم، آنها راه‌حل ندارند» (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج، ۱۳۹۳/۹/۶).

چهار، یکی از بایسته‌های مهم اقتصاد مقاومتی توجه به بنیان‌های اقتصاد اسلامی است. در ادامه بایسته سوم، برای این که اقتصاد مقاومتی در بلندمدت الهام‌بخش و نتیجه‌بخش باشد، ضروری است در مورد بنیان‌های اصلی اقتصاد اسلامی مطالعه شود تا نهادینه و ماندگار گردد.

پنج، اقتصاد مقاومتی، دانش‌محور،



بایسته‌های اقتصاد مقاومتی

برای این که اقتصاد مقاومتی مورد «اقدام و عمل» قرار گیرد، بایستگی‌هایی لازم است که اهم آنها به قرار زیر است: نخست این که در این روند نقش مردم، محوری است و گفت‌وگو و مشارکت فعال مردم در این زمینه ضروری است. در این راستا دولت توان پرداختن به تمامی موقعیت‌ها را ندارد و برای کمک به دولت ضروری است رسانه ملی با گفت‌وگو با همه آحاد مردم را در دوره پس‌اجرام برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی



جدول ۱: مؤلفه‌های سه‌گانه سازنده اقتصاد مقاومتی

ردیف	ناچستی	چیستی	بایستگی
۱	مقاومت اقتصادی	توجه به تولید داخلی	مردم‌محوری
۲	اقتصاد حاشیه‌ای	برون‌گرایی و توجه به صادرات	استقلال اقتصادی راهبردی
۳	پرهیز از دوراهی استقلال فقیرانه/رفاه رذیله‌انه	اصلاح ساختاری	پرهیز از چالش در عین جهش اقتصادی
۴		انضباط مالی	توجه به بنیان‌های اقتصاد اسلامی
۵		مدیریت مصرف	اقتصاد دانش‌محور، خلاق و فناورانه
۶		عدالت محوری	اقتصاد ساینبری
۷		شفاف‌سازی	عدالت در داخل و اعتدال در خارج
۸		تأمین ذخایر استراتژیک	اقتصاد مقاومتی، علمی است.
۹		حفظ انرژی فسیلی	
۱۰		اقتصاد دانش‌بنیان	

نتیجه‌گیری

بررسی موارد بالا نشان می‌دهد که طرح اقتصاد مقاومتی تنها برای یک دوره خاص با شرایط تحریمی برنامه‌ریزی نشده است. توانش این برنامه نشان می‌دهد که طرحی بلندمدت برای شکوفایی اقتصادی و رسیدن به یک چارچوب محوری برای همگونی اهداف انقلابی با شرایط و مقتضیات زمانه است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که یک نقشه راه باشد که تمامی زوایای آن را به خوبی نشان می‌دهد. بر این اساس؛

اقتصاد مقاومتی یک برنامه و فرایند چندلایه است که تنها در یک حوزه و یک موضوع قابل کاربرد نیست، بلکه دارای ابعاد

مبتنی بر فناوری، خلاقانه، پیشرو و فرصت‌ساز است. این مباحث نه تنها جنبه‌های به‌هنگام و به‌روز اقتصاد کشور را ارتقا می‌بخشد، بلکه با شرایط پسابرجام برای انتقال سرمایه‌گذاری همراه با انتقال فناوری نیز تطابق دارد.

شش، اقتصاد مقاومتی انعطاف‌پذیر در مقابل شکنندگی اقتصادی است؛ به این تعبیر نوعی از شیوه‌های جدید اقتصادی است که از آن می‌توان به «اقتصاد ساینبری» تعبیر کرد. این نوع از اقتصاد به نوعی اشاره به ساختار «ژله‌ای» اقتصادی دارد که در عین پذیرش ضربه و انعطاف‌پذیری در مقابل آن، از هم فرو نمی‌پاشد.

هفت، اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عدالت در داخل و اعتدال در خارج است. این همان راهبرد دولت به تعبیر رئیس‌جمهوری برای رونق اقتصادی در همه بخش‌ها به صورت همزمان و تعامل سازنده با جهان برای جذب سرمایه و فناوری است. به این تعبیر، تعامل سازنده همان وجه قابل تکمیل و قابلیت انطباق اقتصاد مقاومتی موردنظر مقام معظم رهبری است.

در نهایت، اقتصاد مقاومتی روالی علمی است که باید در دانشگاه‌های کشور مورد توجه قرار گیرد. در واقع دانشگاه‌ها باید همگام با دولت که قرارگاه اقتصاد مقاومتی است، نه تنها آن را در اجرای این راهبرد یاری رسانند، بلکه با روال سعی و خطا، راه‌های رفته را بررسی و راه‌های پیش‌رو را نیز بازنمایی کنند.

1. cybernetic economy

مختلف و پیچیده است که چند هدف مهم را هدف گذاری کرده است. به این معنی «برنامه‌ای راهبردی» است. دو، اقتصاد مقاومتی به واسطه این که راهبردی است، بلندمدت و برنامه‌ای در سطح عالی نظام است که طرح آن ایجاد اجماع در سطوح بعدی را در پی خواهد داشت.

تحقق نمی‌یابد، بلکه زمینه‌های افزایش فساد و درگیری و اختلافات مالی داخلی نیز افزایش می‌یابد که به شکل کلاف سردرگم هر قدر بازتر می‌شود، راه‌حل آن کمتر قابل تصور است.

پنج، هدف گذاری رقابتی نوعی تضمین پیشرفت اقتصادی است. بدون رقابت، هیچ پیشرفت و تلاشی معطوف به هدف نخواهد بود.

شش، اقتصاد مقاومتی با گذر از تهدیدات و کاهش اختلافات، بهترین زمینه فرصت‌سازی برای پیشرفت و دورنمای امیدآفرین را فراهم می‌سازد.

در نهایت اقتصاد مقاومتی نه تنها به دنبال تقویت اقتصادی برای پیگیری اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است، بلکه در عین حال توجه به بنیان‌های اقتصاد اسلامی و زمینه الهام‌بخشی آن به شمار آمده و طرح «راه سوم» را بر اساس دربرگیری دو مفهوم به‌ظاهر متناقض «عدالت و پیشرفت» در عصر جدید فراهم می‌سازد. تمامی این هفت محور نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی می‌تواند نقشه راه مناسبی برای آینده کشور باشد.

اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عدالت در داخل و اعتدال در خارج است. این همان راهبرد دولت به تعبیر رئیس‌جمهوری برای رونق اقتصادی در همه بخش‌ها به صورت همزمان و تعامل سازنده با جهان برای جذب سرمایه و فناوری است.

سه، اقتصاد مقاومتی رابط میان واقعیت و آرمان است. واقعیت این است که ما در حوزه اقتصاد ضعف داریم، در گذشته از این حوزه بسیار آسیب و ضربه خوردیم و در عین حال هرگونه پیگیری اهداف بلند و آرمانی نیازمند به حمایت مالی و اقتصادی دارد. در این چارچوب، دشمنان همواره بر این گمان بوده‌اند که هرگاه جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی در حالت بر خورداری باشد، اقدام تهاجمی خواهد داشت، پس با این حساب بهتر است که با ایجاد بحران‌های اقتصادی نه تنها جلوی اهداف اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی گرفته شود، بلکه با درگیر کردن کشور در امور داخلی، امکان بی‌ثبات‌سازی درونی را فراهم کنند. از این رو گذر از دو گانه «امنیت/رفاه» در مفهوم اقتصاد مقاومتی در دستور کار قرار می‌گیرد.

چهار، اقتصاد مقاومتی اولویت‌های سرمایه‌گذاری عمومی کشور را مشخص می‌کند. بدون حفظ منابع، استفاده درست و اصلاح ساختاری، به هر میزان هم که کشور دارای سرمایه مالی و درآمدهای نفتی و رانته باشد، نه تنها پیشرفت و رشد کشور

